

## مقایسه رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه بر پایه سطوح سه گانه اسناد<sup>a</sup>

### The Comparison of the Relationship between an Unjust World Belief and Aggressive Reaction on the Basis of Three Levels of Attribution<sup>a</sup>

Mohsen Golparvar, Ph.D., \*  
Zahra Waseghi, M.Sc.,

دکتر محسن گل پرور<sup>aa</sup>  
زهرا واتقی<sup>aa</sup>

#### Abstract

This research was carried out with the purpose of comparing the relationship between belief to an unjust world and aggressive reaction on the basis of three levels of attribution among female students. Research statistical population was the females' students of a school of art in Esfahan. From which 180 persons were selected using random selection. Then they were randomly assigned into three attribution situations, namely hostile attribution situation, benign attribution and ambiguous attribution. The students' attributions were manipulated on the basis of three situational scenarios. Research instruments consisted of belief to an unjust world questionnaire (4 items), aggressive reaction (with 2 items) and social desirability (with 6 items). Data from three groups of hostile, benign and ambiguous situations were analyzed using the Pearson's' correlation coefficient and moderated hierarchical regression analysis. Contrast coding was used for entering the situational attribution variable in hierarchical regression. Evidences of moderated hierarchical regression analysis showed that, in situational attribution variable (hostile = -1, benign = 1 and ambiguous=0), there is a moderate relationship between belief to an unjust world with aggressive reaction. That means, in situation of hostile attribution, there is a significant relation ( $p \leq 0.01$ ) between belief to an unjust world and aggressive reaction.

#### چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان دختر بر پایه سطوح سه گانه اسناد به مرحله اجرا درآمد. جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان یک هنرستان دخترانه در شهر اصفهان تشکیل دادند. از این جامعه آماری، 180 نفر به صورت تصادفی انتخاب و به سه موقعیت اسناد خصمانه، اسناد دوستانه و اسناد مبهم گمارده شدند. اسناد دانش آموزان بر حسب سه سناریوی موقعیتی مورد دستکاری قرار گرفت. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه باور به دنیای ناعادلانه (4 سؤال)، واکنش پرخاشگرانه (2 سؤال) و پرسشنامه مطلوب نمایی اجتماعی (با 6 سؤال) بودند. داده‌های حاصل از سه گروه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مورد تحلیل قرار گرفت. برای ورود متغیر اسناد موقعیتی در رگرسیون سلسله مراتبی از کدگذاری متضاد استفاده بعمل آمد. شواهد حاصل از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که متغیر اسناد موقعیتی (خصمانه = -1، دوستانه = 1 و مبهم = 0) قادر به تعدیل رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه است. به این ترتیب که در موقعیت اسناد خصمانه رابطه بین باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه معنادار ( $p \leq 0/01$ )، ولی در دو موقعیت دوستانه و مبهم این روابط معنادار نبودند.

<sup>a</sup> College of Psychology and Education, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Esfahan. I.R. Iran.  
\* Email: mgolparvar@khuif.ac.ir

<sup>aa</sup> دریافت مقاله: 1389/7/25 تصویب نهایی: 1390/2/25  
<sup>aa</sup> دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی خواراسگان، اصفهان

**Keywords:** belief to an unjust world, aggressive reaction, situational attribution, female students.

**کلیدواژه‌ها:** باور به دنیای ناعادلانه، واکنش پرخاشگرانه، اسناد موقعیتی، دانش‌آموزان دختر.

i i i

● مقدمه

«باور به دنیای عادلانه»<sup>1</sup> نظریه‌ای در باب دنیای پیرامون ما انسانهاست. هر انسانی در طول دورهٔ حیات خود با تجارب مثبت و منفی متعددی مواجه می‌شود. این تجارب به تدریج زمین را برای شکل‌گیری باورهای خرد و کلان زیادی فراهم می‌سازد. یکی از باورهای به نسبت کلان، که دارای توزیع جهانی است، باور به دنیای عادلانه و دیگری «باور به دنیای ناعادلانه»<sup>2</sup> است (گل‌پرور، خاکسار و خیاطان، 1388). آنگونه که لو (2008) بیان می‌دارد، باور به دنیای عادلانه مشتمل بر مجموعه ادراکات فرد از حضور عدالت در وقایع و اتفاقاتی است که برای خود وی و دیگران اتفاق می‌افتد. در معنایی دقیق‌تر می‌توان گفت بر پایهٔ نظریه باور به دنیای عادلانه، آنچه به‌عنوان پاداش یا تنبیه در دنیا نصیب افراد می‌شود، حاصل عمل و رفتار خود آنها است نه حاصل نیکخواهی یا بدخواهی جهانی که در آن زندگی می‌کنند. در واقع باور به دنیای عادلانه، علیرغم این‌که از آغاز به‌عنوان یک توهم مثبت (گل‌پرور، جوادی، 1385؛ گل‌پرور، کامکار و جوادی، 1386) معرفی شده، مبتنی بر این باور بنیادین هدایت‌گراست که انسانها در دنیایی زندگی می‌کنند که ساز و کارهای حاکم بر آن بر پایه اصول عدل و انصاف عمل می‌کنند (مک فارلند و کنوسن، 2010؛ کالان، شد و اولسون، 2009؛ ایاتردیس و فوزیانی، 2009؛ کریستوفر، زابل، جونز و مارک، 2008). این باور به شدت در ادیان یکتاپرست و در شعائر دینی و مذهبی‌شان نیز مورد تأکید است (گل‌پرور و همکاران، 1388). بر اساس تلاشهای پژوهشی صورت گرفته بر روی این باورها، به تدریج بستر برای طرح باور به دنیای ناعادلانه، به‌عنوان باورهایی مستقل از باور به دنیای عادلانه فراهم شد. به ترتیبی که همسو با تأکیدات اولیه فرنهام و پروکتر (1989) و بر پایهٔ پژوهشهای روان‌سنجی انجام شده (لو، 2002؛ گل‌پرور، 1388) اکنون این ایده که باور به دنیای ناعادلانه به اندازهٔ باور به دنیای عادلانه می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی مهم باشد، تا اندازه‌ی زیادی پذیرفته شده است. باور به دنیای ناعادلانه آنگونه که سجادیان و گل‌پرور (1387) بر پایهٔ نظریات و تحقیقات بیان نموده‌اند، انعکاسی از

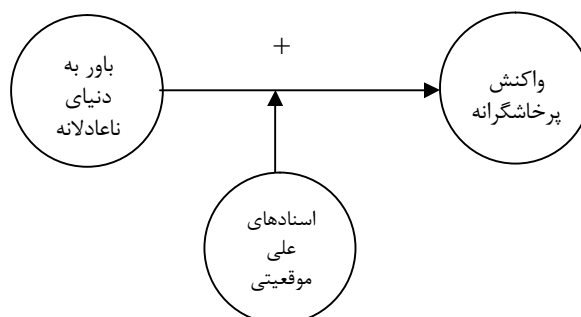
تمایل به واکنشهای مختلف به موقعیت‌ها بدون توجه به قاعده انصاف و عدالت هستند. باور به دنیای ناعادلانه برعکس باور به دنیای عادلانه که زمینه سازی امیدواری به زندگی و آینده است و به عنوان سپربلا در برابر حوادث مختلف عمل می‌کنند و اعتماد به محیط اطراف را فراهم می‌سازد، می‌تواند باعث بدگمانی نسبت به دنیا و انسانها شود. این بدگمانی در یک سلسله روابط زنجیره‌ای، موجب رفتارهای مبتنی بر نفع شخصی، بدون توجه به شرایط دیگران و محیط اطراف می‌شود. در تأیید این نظر، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که بین «سوء ظن» و بدگمانی با «باور به دنیای ناعادلانه» رابطه مثبت وجود دارد (سجادیان و گل‌پرور، 1387).

باور به دنیای ناعادلانه بر اساس پژوهشهای داخلی با ابعاد مختلف پرخاشگری، به‌ویژه خصومت دارای رابطه مثبت است. در پژوهشی که گل‌پرور و همکاران (1388) در جمعیت بزرگسال به انجام رساندند، از چهار بُعد «پرخاشگری» (پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت) فقط «خشم و خصومت» با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه دارای رابطه بوده‌اند. از بین خشم و خصومت نیز، «خصومت» با باور به دنیای ناعادلانه و «خشم» با باور به دنیای عادلانه دارای رابطه نیرومندتری بوده‌اند. نکته محوری در این تحقیقات، همسو با یافته‌های محققان دیگر، مبنی بر رابطه بین باور به دنیای ناعادلانه با خشم و پرخاشگری (نظیر شرر، 1997)، این واقعیت است که روابط گزارش شده در حد قابل توجهی ضعیف - برای نمونه در پژوهش گل‌پرور و همکاران (1388)، رابطه باور به دنیای ناعادلانه و خصومت در حد 0/129 گزارش شده است - است. این روابط ضعیف با آنچه که از لحاظ نظری انتظار می‌رود تناسب زیادی ندارد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که در رابطه بین باور به دنیای ناعادلانه با واکنشهای پرخاشگرانه متغیرهای دیگری نقش داشته باشند. یکی از متغیرهای تعدیل کننده که بر اساس تحقیقات به عمل آمده دارای توان بالقوه بالایی برای رابطه باور به دنیای ناعادلانه با پرخاشگری است، اسنادهای موقعیتی هستند. آنگونه که شرر (1997) بیان داشته، یکی از عوامل بالقوه مؤثر در فراخوان پاسخهای هیجانی نظیر خشم و پرخاشگری به موقعیت، ارزیابی شناختی در موقعیت است. اگر در یک ارزیابی موقعیتی، فرد نتیجه منفی و نامساعدی که نصیبش شده را به فرد دیگری نسبت دهد و او را در این باره مسئول بدانند، به طور طبیعی در پاسخ به این شرایط دچار احساس خشم می‌شود. در

مقابل اگر فرد، فرد دیگر یا موقعیت خاصی را مسئول آنچه عایدش شده قلمداد نکنند، در آن صورت ممکن است به جای خشم، دچار «افسردگی» و کاهش سطح خلق و یا اشکال دیگری از هیجانها شود. از این منظر «اسنادهای موقعیتی»<sup>3</sup>، یعنی نسبت دادن علت به پیامدها و رخدادهایی که برای فرد بوقوع پیوسته‌اند، به صورت خصمانه، دوستانه و یا مبهم، متناسب با نظریه‌های ارزیابی شناختی می‌تواند از لحاظ هیجانی و به‌ویژه از لحاظ پرخاشگری و خشم دارای تبعات متفاوتی باشد. شواهد پژوهشی هم در محیط‌های مدرسه، حاکی از اثرگذاری باور به دنیای عادلانه (و نا عادلانه) همراه با اسنادهای علی موقعیتی بر رفتارهای پرخاشگرانه است (دالبرت و استوبر، 2005؛ دزوکاو و دالبرت، 2007).

آنگونه که بگیو و مولر (2006) به نقل از تحقیقات دهه 90 میلادی بیان داشته‌اند، تحقیقات حاکی از وجود دو منبع قابل تمیز از یکدیگر برای رفتارهای پرخاشگرانه هستند. منبع اول «ساختار دانش پنهان»<sup>4</sup> نظیر باورهای هنجاری فرد در باب مناسب بودن یا نبودن رفتارهای پرخاشگرانه در هر موقعیت خاص یا مفروض و منبع دوم اسنادها در «پردازش اطلاعات اجتماعی»<sup>5</sup> هستند. نکته حائز اهمیت اینکه، ساختار «دانش پنهان» (یعنی باورهای هنجاری شخصی و اجتماعی) با محرکهای دریافتی از محیط اطراف به‌عنوان سرخ‌های لازم برای اسناددهی موقعیتی (عمدی یا غیرعمدی بودن رفتار فرد ناکام‌کننده)، به تعامل می‌پردازند و حاصل تعامل این دو منبع است که در نهایت باعث واکنش خشم و پرخاشگری می‌شود. همسو با این تأکیدات، می‌توان گفت که رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه به موقعیت از طریق اسنادهای علی موقعیتی (اسناد علی به عمدی یا غیر عمدی بودن رفتار فرد ناکام‌کننده در موقعیت خاص) تعدیل می‌شود. این ارتباط در مدل ارائه شده در شکل 1 دیده می‌شود.

بنابراین بر پایه آنچه تا بدین جا بیان گردید و ماحصل آن در شکل 1 ارائه گردید، می‌توان در یک جمع‌بندی کلی اینگونه بیان داشت که باور به دنیای ناعادلانه به دلیل اینکه مبتنی بر قواعدی نظیر رهایی از قیود مربوط به عدالت و انصاف و نفع شخصی است (فرنهام و پروکتر، 1989؛ گل‌پرور و همکاران، 1388)، منجر به سوگیری منفی و بدنبال آن خصومت و سوءظن و بدگمانی می‌شود. این خصومت و بدگمانی نه تنها خود



شکل 1: رابطه بین باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه با توجه به نقش تعدیل کننده اسنادهای علی موقعیتی از اشکال مطرح در حوزه پرخاشگری است، می تواند منجر به واکنشهای پرخاشگرانه دیگر نیز بشود. اما آنچه که در این ارتباط حائز اهمیت است، نقش تعدیل کننده اسنادهای علی به عنوان یکی از فرایندهای شناختی مطرح در حوزه هیجانهاست (شرر، 1997؛ بگیو و میولر، 2006).

بر اساس آنچه که اکنون از تحقیقات و نظریات در دست است، پیش از بروز پرخاشگری و خشم به عنوان هیجان، باورهای افراد همراه با پردازش سرنخهای حاصل از پدیدهها و افراد در محیط وارد عرصه می شوند. اگر باور فرد (نظیر باور به دنیای ناعادلانه) به فرد اجازه رفتار پرخاشگرانه را بدهد و سرنخهای حاصل از پدیدهها و افراد نیز حاکی از عمدی بودن رفتار عامل ناکام کننده باشد، در آن صورت احتمال بروز واکنش پرخاشگرانه افزایش می یابد. این تبیین تا اندازه زیادی در حوزه باور به دنیای ناعادلانه به شدت مورد غفلت قرار گرفته است، به ترتیبی که احساس می شود خلاء دانش قابل توجهی در این ارتباط وجود دارد. بر همین پایه هدف اصلی از اجرای این پژوهش، بررسی تا نقش اسنادهای علی موقعیتی در رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه در دانش آموزان دختر بود. همین با توجه به تحقیقات صورت گرفته بر روی باور به دنیای ناعادلانه و پرخاشگری و نقش اسناد موقعیتی (خصمانه، دوستانه و مبهم) در ایران، بنظر رسید که محدودیت دانش و اطلاعات در این حوزه جدی است. لذا برای پر کردن بخشی از خلاء دانش از این حوزه در ایران، این پژوهش به اجرا درآمد. همینطور با اجرای این پژوهش، شواهدی بین فرهنگی (بر مبنای مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهشهای مشابه خارجی) برای بسط و گسترش دانش مربوط به باور به دنیای ناعادلانه فراهم شود.

## ● روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهشهای پس رویدادی است که طی آن سه گروه از دانش آموزان دختر از نظر «رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه» به یک موقعیت فرضی با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان یک هنرستان دخترانه ناحیه 4 در شهر اصفهان در زمستان 1388 به تعداد 360 نفر (93 نفر کلاس اول، 127 نفر کلاس دوم و 148 نفر کلاس سوم) تشکیل دادند. این مقطع تحصیلی و سنی جهت تطبیق‌پذیری نتایج حاصل از مطالعه با مطالعات مشابه خارجی (بگیو و مولر، 2006) انتخاب شد. در عین حال انتخاب گروه نمونه از میان دختران (و نه هر دو جنس) به دلیل این بوده که جنس می‌تواند یک متغیر بالقوه تعدیل‌کننده برای رابطه بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با متغیرهای رفتاری (نظیر پرخاشگری) باشد (گل‌پرور و نادری، ب و الف 1388). از مجموع 360 نفر جامعه آماری پژوهش سه گروه 60 نفری از پایه‌های اول تا سوم و در مجموع 180 نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس این 180 نفر به صورت تصادفی به سه موقعیت «خصمانه»، «دوستانه» و «مبهم» (از هر پایه 20 نفر، بنابراین در هر یک از سه موقعیت سه گروه 20 نفری از پایه‌های اول تا سوم وجود داشته‌اند) گمارده شدند. انتخاب حجم نمونه 180 نفر نیز بر اساس تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری (حسن‌زاده، 1382، ص 133) صورت گرفته است. میانگین سنی اعضای نمونه 16/06 (با انحراف معیار 1/15) بوده است. به لحاظ اینکه هنرستان مورد استفاده در نمونه‌گیری به صورت سهل‌الوصول (بر اساس هماهنگی و دسترسی‌پذیری یک تن از پژوهشگران پژوهش حاضر) انتخاب شده و در عین حال امکان مهار سایر متغیرها به جز جنس وجود نداشته است، طرح پژوهش پس رویدادی در نظر گرفته شده است. متغیر دستکاری شده در این پژوهش موقعیت هر دانش‌آموز (در سه سطح اسناد خصمانه، اسناد دوستانه و اسناد مبهم) بوده است که به شرح زیر مورد دستکاری قرار گرفته است.

### ™ نحوه دستکاری اسناد موقعیتی

بر اساس سه سناریوی معرفی شده توسط بگیو و مولر (2006)، سه موقعیت «خصمانه»، «دوستانه» و «مبهم» پدید آمد. شرح کلی سناریوی مورد استفاده بدین شرح

بود: در فاصله زمانی حین دو کلاس، هر یک از دانش‌آموزان باید شرایطی را در نظر بگیرند که خود برای خرید و مصرف خوراکی میان وعده‌ای به سمت بوفه مدرسه (یا هر مکان دیگری که معمولاً خوراکی‌های میان وعده‌ای را در مدارس به دانش‌آموزان می‌فروشند) می‌رود و خوراکی مورد دلخواه خود را خریداری می‌کند و تصمیم می‌گیرد که در جایی در همان محل بوفه خوراکی خریداری شده را مصرف نمایند. در این شرایط بر سر یکی از میزها چند دانش‌آموز را می‌بیند که در کنار یکدیگر نشسته‌اند، ولی یک صندلی خالی در نزدیک آنها هست. به همین دلیل دانش‌آموز مورد نظر تصمیم می‌گیرد که خوراکی خریداری شده را با نشستن بر روی آن صندلی بخورد. وقتی تصمیم می‌گیرد که بر صندلی بنشیند، یک نفر از چند نفر دور میز به وی می‌گوید که این صندلی را برای دوستش که به زودی خواهد آمد نگه داشته و وی نمی‌تواند بر روی آن بنشیند. به همین دلیل دانش‌آموز مورد نظر، از آن صندلی دور می‌شود و در جای دیگری خوراکی خود را می‌خورد. به دنبال این وضعیت، در هر یک از سه سناریوی «خصمانه»، «دوستانه» و «مبهم»، چنین آمده است: در «موقعیت خصمانه»، دانش‌آموز مورد نظر ما متوجه می‌شود که فرد مورد نظر که به وی اعلام داشته صندلی را برای دوستش نگه داشته، عمداً بدون اینکه منتظر دوستش بوده باشد، گذاشته که وی روی صندلی بنشیند. در «موقعیت دوستانه» دانش‌آموز مورد نظر ما متوجه می‌شود که فرد مذکور واقعاً صندلی را برای دوستش نگه داشته و در «موقعیت مبهم» نیز مشخص نمی‌گردد که واقعاً صندلی را برای دوستش نگه داشته یا خیر. این سه سناریو بر مبنای توضیحات فوق برای سه گروه موقعیت خصمانه، موقعیت دوستانه و موقعیت مبهم تهیه و مطابق روال زیر در اختیار دانش‌آموزان شرکت داده شده در گروه‌های پژوهش قرار گرفته تا مطالعه کنند. ترتیب ارائه پرسشنامه‌ها و مراحل اجرای پژوهش به شرح زیر بوده است.

در مرحله اول با ارائه توضیحاتی مبنی بر انجام یک بررسی در باب نحوه واکنش افراد در موقعیتهای خاص در مدرسه، از دانش‌آموزان خواسته شد تا پایه تحصیلی، سن، شغل پدر و مادر خود را همراه با سؤالات مربوط به باور به دنیای ناعادلانه پاسخ دهند. در مرحله دوم سناریوی مربوط به موقعیت هر یک از دانش‌آموزان در اختیار وی قرار می‌گرفت تا پاسخ دهد. بدنبال خواندن هر سناریو، هر دانش‌آموز به دو سؤال مربوط به

نحوه واکنش وی به موقعیتی که به صورت فرضی در آن قرار گرفته و یک سؤال در باب باور وی به راستگویی فردی که اعلام داشته منتظر دوستش بوده پاسخ داده است. در پایان نیز از آنجایی که پاسخهای پرخاشگرانه تحت تأثیر مطلوب‌نمایی اجتماعی قرار می‌گیرد، هر دانش‌آموز به سؤالات مربوط به مطلوب‌نمایی اجتماعی نیز پاسخ داده است.

#### ● بررسی تأثیر دستکاری اعمال شده

برای اطمینان از اینکه دستکاری‌های موقعیتی اعمال شده از طریق سه سناریوی مورد استفاده در پژوهش بر شرکت کنندگان مؤثر بوده است، بر باور هر پاسخگو (به تفکیک سه گروه) در مورد صداقت یا عدم صداقت فردی که نگذاشته وی از صندلی خالی استفاده کند، تحلیل واریانس انجام گردید. نتایج حاصل از این تحلیل واریانس معنادار ( $p < 0/01$  و  $F = 8/145$  و  $df = 2$ ) بود. آزمون تعقیبی توکی بر روی سه گروه حاکی از آن بود که گروه موقعیت خصمانه به صورت معناداری از گروه موقعیت دوستانه ( $p < 0/01$ ) و گروه موقعیت مبهم ( $p < 0/05$ ) رفتار فردی که نگذاشته وی از صندلی استفاده کند را به بی‌صداقتی و خصومت وی نسبت داده‌اند. بین گروه موقعیت «دوستانه» و گروه موقعیت «مبهم»، تفاوت معناداری ( $p > 0/05$ ) بدست نیامد. این نتایج حاکی از آن است که بویژه سناریوی موقعیت «خصمانه»، اسناد بی‌صداقتی و خصومت را در دانش‌آموزان دختر آن گروه فعال ساخته است. در مجموع از ابزارهای زیر نیز برای سنجش متغیر پیش‌بین یا مستقل (باور به دنیای عادلانه) و متغیر وابسته یا ملاک (واکنش پرخاشگرانه) و متغیر کنترل (مطلوب‌نمایی اجتماعی) استفاده شده است.

1- باور به دنیای ناعادلانه: برای سنجش باور به دنیای ناعادلانه از مقیاس چهار سؤالی معرفی شده توسط دالبرت، لایپکوس، سالی و گوچ (2001) که در مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = 1 تا کاملاً موافقم = 7) پاسخ داده می‌شود استفاده بعمل آمد. این پرسشنامه قبلاً در ایران (سجادیان و گل‌پرور، 1387) در گروه جمعیت بزرگسال از نظر روایی و اعتبار مورد بررسی قرار گرفته است. چهار سؤال این پرسشنامه باور به دنیای ناعادلانه را به صورت عمومی و کلی و نه به صورت شخصی (یعنی دنیای ناعادلانه برای شخص پاسخگو) مورد سنجش قرار می‌دهد. آلفای کرونباخ و ضریب اسپیرمن - براون (همراه با ضریب گاتمن) در پژوهش سجادیان و گل‌پرور



(1387) 0/53 و 0/56 بوده است. به لحاظ متفاوت بودن گروه نمونه این پژوهش، برای بررسی روایی سازه این مقیاس بر روی چهار سؤال آن تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس انجام گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل هر چهار سؤال را بر روی یک عامل با آلفای کرونباخ 0/62 قرار داد. لازم به ذکر است که آلفای کرونباخ در این حد مربوط به کم بودن سؤالات این مقیاس است. یک نمونه سؤال مقیاس باور به دنیای ناعادلانه به این شرح است: به نظر من دنیا مکانی سرشار از بی عدالتی است.

2. واکنش پرخاشگرانه به موقعیت: برای سنجش واکنش پرخاشگرانه هر یک از دانش آموزان دختر به سه موقعیت «خصمانه»، «دوستانه» و «مبهم» از پرسشنامه دو سؤالی معرفی شده توسط بگیو و مولر (2006) که بر مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = 1 تا کاملاً موافقم = 5) پاسخ داده می‌شود، استفاده بعمل آمد. این دو سؤال از انگلیسی ترجمه و تطبیق محتوایی دقیق توسط متخصص برای پژوهش حاضر ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. بگیو و مولر (2006) همبستگی 0/41 را بین دو گویه ( $p < 0/001$ ) این پرسشنامه و به‌عنوان شواهدی از اعتبار (همبستگی درونی) آن گزارش نموده‌اند. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ بعنوان شواهدی از اعتبار این دو سؤال 0/7 بدست آمد. در عین حال همبستگی دو گویه نیز برابر 0/59 و معنادار ( $p < 0/001$ ) بود. دو گویه مذکور بدین شرح هستند: مواجه شدن با چنین موقعیتی مرا خشمگین می‌کند، بدون تردید سعی می‌کنم تلافی این اتفاق را بر سر فردی که نگذاشت بر روی صندلی بنشینم را در بیاورم.

3. مطلوب‌نمایی اجتماعی: برای سنجش سطح مطلوب‌نمایی اجتماعی بعنوان متغیر کنترل از مقیاس ده سؤالی استران و گرباسی (1972) که با استفاده از بلی و خیر (به تناسب محتوای سؤال امتیاز 1 و 0 به آنها تعلق می‌گیرد) پاسخ داده می‌شود استفاده بعمل آمد. این مقیاس در پژوهش‌های قبلی در ایران در گروه جمعیت بزرگسال (گل پرور و ناد، ب 1388) مورد بررسی قرار گرفته و اساساً آلفای کرونباخ آن در حد متوسطی است (در حدود 0/65 تا 0/4). بدلیل نوجوان بودن (همراه با مؤنث بودن) گروه نمونه پژوهش حاضر، بر روی ده سؤال این مقیاس تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس انجام گرفت. این تحلیل همراه با بررسی نقش سؤالات در آلفای کرونباخ منجر به حذف چهار سؤال 1، 4، 6 و 7 گردید. شش سؤال باقیمانده با قرار گرفتن بر

روی یک عامل آلفای کرونباخ ضعیفی را در حد 0/38 نشان داد. به دلیل ضعیف بودن آلفای کرونباخ مطلوب نمایی اجتماعی، همبستگی بین باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه با مطلوب نمایی اجتماعی در جدول 1، برحسب اعتبار (آلفای کرونباخ) مورد تصحیح قرار گرفته و گزارش شده‌اند. یک نمونه سؤال برای این پرسشنامه بدین شرح است: «من همیشه نسبت به کسانی که چندان خوشایند و مطبوع نیستند مؤدب هستم». پاسخ «بلی» به این سؤال امتیاز 1 و پاسخ «خیر» امتیاز صفر می‌گیرد.

در مجموع زمان اجرای پژوهش برای هر شرکت کننده 20 تا 25 دقیقه بوده است. شرکت کنندگان در قالب گروهی (3 تا 5 نفره) ولی به صورت جداگانه و بدون سخن گفتن با یکدیگر در کلاس در پژوهش شرکت داشته‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مورد تحلیل قرار گرفته است. برای وارد کردن متغیر موقعیت (در سه سطح) از کد گذاری متضاد (متعامد) بنابر توصیه بگیو و مولر (2006) استفاده شده است. از آنجایی که سه موقعیت (خصمانه، دوستانه و مبهم) وجود داشته، دو متغیر متضاد برای اسناد (یکی بر حسب اختصاص عدد 2 به موقعیت مبهم و عدد 1- به دو موقعیت دوستانه و خصمانه و دیگری بر حسب اختصاص عدد 1 به موقعیت دوستانه، عدد 1- به موقعیت خصمانه و عدد صفر به موقعیت مبهم) ایجاد شده است. سپس تعامل این دو متغیر با باور به دنیای ناعادلانه نیز بر حسب روال انجام تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی (آیکن و وست، 1991) در تحلیلها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تحلیل‌های انجام شده با استفاده از نرم افزار SPSS صورت پذیرفته است. لازم به ذکر است که در پژوهشهایی از نوع پژوهش حاضر، امکان استفاده از شیوه‌های تحلیل آماری نظیر تحلیل واریانس یا تحلیل کوواریانس نیز وجود دارد. با این شرط که به‌ویژه در تحلیل واریانس (در قالب دو راهه)، هر دو متغیر مستقل و تعدیل کننده به صورت طبقه‌ای (اسمی) باشند. در این پژوهش اسناد موقعیتی بر اساس کدگذاری متضاد، یک متغیر طبقه‌ای (به‌عنوان متغیر تعدیل کننده یا متغیر مستقل دوم) و باور به دنیای ناعادلانه بر پایه امتیازات حاصل از مقیاس مورد استفاده در سطح فاصله‌ای بوده است. از لحاظ آماری تحلیل رگرسیون چندگانه، تحلیل واریانس و تحلیل کوواریانس همگی از زمره تحلیل‌های آماری «مدل خطی عمومی»<sup>6</sup> هستند که در موارد زیادی قابل جایگزین با یکدیگر هستند (کوهن، کوهن، آیکن و

وست، 2003، ص 4). با این حال در مواردی از نوع پژوهش حاضر که کدگذاری متضاد برای اسناد (خصمانه، دوستانه و مبهم) استفاده شده و باور به دنیای ناعادلانه در سطح فاصله‌ای بوده، اغلب توصیه‌ها و همچنین نمونه پژوهش‌های مشابه بر استفاده از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تأکید نموده‌اند (بگیو و مولر، 2006؛ کوهن و همکاران، 2003). بر این اساس در این پژوهش به جای استفاده از تحلیل واریانس و یا کوواریانس از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده بعمل آمد. افزودن این نکته نیز ضروری است که در تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی، اسناد موقعیتی به عنوان «متغیر تعدیل کننده»<sup>7</sup> مطرح شده نه «متغیر میانجی»<sup>8</sup> (واسطه‌ای). دلیل این امر نیز آن است که بر اساس تعریف متغیر تعدیل کننده، این متغیرها، متغیرهایی کمی یا کیفی هستند که جهت یا میزان رابطه را میان متغیرهای مستقل و وابسته تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر این اساس متغیر اسناد به‌عنوان یک متغیر طبقه‌ای (کیفی) که دارای سه طبقه اسناد خصمانه، دوستانه و مبهم بوده و در این سه سطح رابطه باور به دنیای ناعادلانه یا واکنش پرخاشگرانه بر مبنای پیشینه‌ی پژوهشی موجود (بگیو و مولر، 2006) می‌تواند متفاوت باشد، بعنوان متغیر تعدیل کننده در این پژوهش در نظر گرفته شده است. در عین حال باور به دنیای ناعادلانه و اسناد موقعیتی چون هر دو ماهیت شناختی دارند و با پرخاشگری دارای رابطه هستند و، به لحاظ تعدیل کنندگی می‌تواند برای یکدیگر جای گشت پذیری داشته باشند. یعنی باور به دنیای ناعادلانه هم می‌تواند برای اسناد موقعیتی و پرخاشگری نقش تعدیل کنندگی ایفاء کند که در این شرایط هم نتایج تفاوتی نمی‌کند. بر پایه توضیحات بالا، بدلیل اینکه طبقه‌ای کردن نمرات پیوسته باور به دنیای ناعادلانه باعث از دست رفتن بخش اعظمی از اطلاعات می‌گردید و در سطوح اسناد موقعیتی (موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم)، احتمال تفاوت در رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه وجود داشت، در این پژوهش اسناد موقعیتی بعنوان متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته شد و از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی (تعدیلی) برای تحلیلها استفاده شد.

#### ● یافته‌ها

در جدول 1، میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش آورده

شده است. چنانکه در این جدول مشاهده می‌شود، باور به دنیای ناعادلانه فقط در گروه موقعیت خصمانه با واکنش پرخاشگرانه ( $r=0/56$ ) دارای رابطه مثبت و معنادار است و در دو موقعیت دیگر این رابطه معنادار نمی‌باشد ( $p>0/05$ ). همچنین مطلوب‌نمایی اجتماعی در حالت اصلاح شده برای اعتبار پایین در هر سه گروه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه معنادار ( $p<0/01$ ) است، ولی در گروه موقعیت خصمانه این رابطه مثبت و در دو گروه دیگر منفی است.

جدول 1- میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش به تفکیک گروهها

متغیرهای پژوهش	اسناد خصمانه				اسناد دوستانه				اسناد مبهم			
	میانگین	انحراف معیار	1	2	میانگین	انحراف معیار	1	2	میانگین	انحراف معیار	1	2
1 باور به دنیای ناعادلانه	20/15	4/50	-	-	18/3	5/05	-	-	19/43	5/65	-	-
2 واکنش پرخاشگرانه	4/61	2/69	0/56**	-	2/66	1/23	-0/037	-	3/95	2/56	0/084	-
3 مطلوب‌نمایی اجتماعی	2/91	1/52	0/065	0/356**	2/86	1/46	0/25**	-0/48**	2/94	1/27	0/23**	-0/59**

\*\* $p<0/01$  \* $p<0/05$

چنانکه در جدول 2 مشاهده می‌شود، پس از کنترل مطلوب‌نمایی اجتماعی، از اثرات اصلی فقط کدگذاری متضاد 2 (یعنی موقعیت خصمانه = 1-، موقعیت دوستانه = 1) و موقعیت مبهم (= 0) با ضریب بتای استاندارد مثبت 0/323، قادر به تبیین 12/3 درصد از واریانس واکنش پرخاشگرانه بوده است. ضریب مثبت مذکور با توجه به کدگذاری انجام شده حاکی از آن است که هر چه موقعیت به سمت خصمانه شدن رفته، واکنش پرخاشگرانه نیز نیرومندتر شده است. در اثرات تعاملی نیز علاوه بر معناداری اثر کدگذاری متضاد 2، اثر تعاملی باور به دنیای ناعادلانه  $\times$  کدگذاری متضاد 2 با ضریب بتای معیار برابر با 0/171 معنادار ( $p<0/05$ ) است، به ترتیبی که 4/1 درصد واریانس انحصاری افزوده برای واکنش پرخاشگرانه ایجاد کرده است. معناداری این تعامل بدین معنی است که رابطه بین باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه در موقعیت‌های سه گانه متفاوت است. نتیجه رگرسیونهای تفکیکی سه گروه در جدول 3 آورده شده است. چنانکه در این جدول دیده می‌شود، فقط در موقعیت خصمانه، باور به دنیای

جدول 2: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه

ردیف	متغیرهای پیش‌بین	مدلهای پژوهش					
		اثرات اصلی		کنترل			
		SE	b	SE	b		
1	مطلوب‌نمایی اجتماعی	0/117	-0/072	0/119	-0/06	0/126	-0/06
2	باور به دنیای ناعادلانه	0/171	0/118	0/171	0/083	-	-
3	کد گذاری متضاد 1	0/118	0/081	0/119	0/06	-	-
4	کد گذاری متضاد 2	0/206	0/308**	0/209	0/323**	-	-
5	باور به دنیای ناعادلانه × کد گذاری متضاد 1	0/114	-0/128	-	-	-	-
6	باور به دنیای ناعادلانه × کد گذاری متضاد 2	0/22	0/171*	-	-	-	-
7	$\Delta R^2$	0/041		0/123		0/004	
8	$\Delta F$	4/27*		8/2**		0/635	

\*p<0/05 \*\*p<0/01

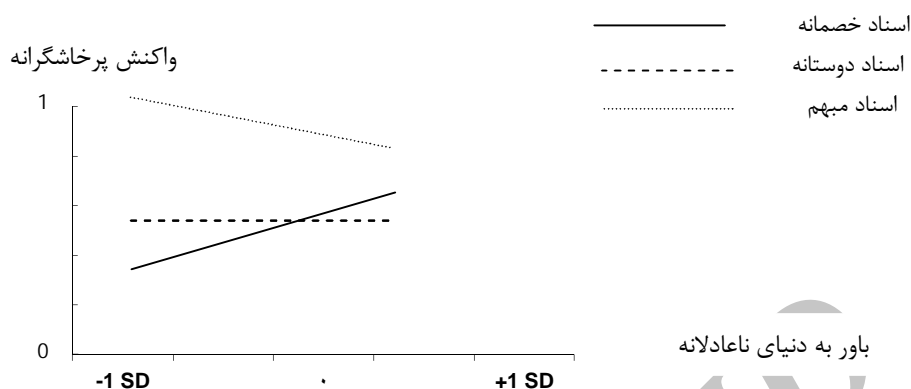
ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه ( $b=0/327$ ) دارای رابطه معناداری بوده است، به ترتیبی که باور به دنیای ناعادلانه پس از کنترل مطلوب‌نمایی اجتماعی، 10/7 درصد از واریانس واکنش پرخاشگرانه را به تنهایی تبیین نموده است. نتیجه آزمون ساده شیب خط بر اساس توصیه آیکن دوست (1991) در نمودار 1 آمده است.

جدول 3- نتایج تحلیل رگرسیون تفکیکی برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه از طریق باور به دنیای ناعادلانه در سه

گروه پژوهش

گروه	مقادیر ثابت و متغیرهای پیش‌بین	اسناد خصمانه			اسناد دوستانه			اسناد مبهم					
		$\Delta R^2$	b	SE	B	$\Delta R^2$	b	SE	B	$\Delta R^2$	b	SE	B
1	مقدار ثابت	0/032	-	0/75	3/7	0/058	-	0/344	3/246	0/088*	-	0/804	5/69
	مطلوب‌نمایی اجتماعی	0/032	0/178	0/228	0/314	0/058	-0/241	0/107	-0/202	0/088*	-0/296	0/251	-0/592
2	مقدار ثابت	0/107*	-	0/715	3/58	0/007	-	0/346	3/24	0/007	-	0/813	5/74
	مطلوب‌نمایی اجتماعی	0/107*	0/168	0/217	0/298	0/007	-0/247	0/108	-0/207	0/007	-0/304	0/254	-0/609
	باور به دنیای ناعادلانه	0/107*	0/327**	0/377	1	0/007	-0/05	0/161	-0/062	0/007	-0/082	0/294	-0/189

\* p<0/05 \*\* ≤p0/01 در سطح  $\Delta F$  + معنادار می‌باشد.



نمودار 1- رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه در سه موقعیت پژوهش

### ● بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های ارائه شده (جدول 1) رابطه مثبت بین باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه در گروه اسناد خصمانه مورد تأیید قرار گرفت. این یافته با یافته‌های داخلی از جمله گل‌پرور و همکاران (1388) و با یافته‌های محققانی چون بگیو و مولر (2006) مبنی بر رابطه منفی بین باور به دنیای عادلانه برای خود با واکنش پرخاشگرانه همسویی نسبی نشان می‌دهد. آنگونه که گل‌پرور و همکاران (1388) اظهار داشته‌اند، یکی از کارکردهای مطرح برای باور به دنیای ناعادلانه سوء ظن و بدگمانی است. باور به دنیای ناعادلانه در صورت نیرومند بودن بسان یک عامل تسهیل‌گر شناختی می‌تواند موجب حساسیت بیش از اندازه به دنیای اطراف می‌شود. در عین حال آنگونه که بسیاری از نظریه‌پردازان نظیر دالبرت و همکاران (2001) و بگیو و مولر (2006) اظهار داشته‌اند، برعکس باور به دنیای ناعادلانه، باور به دنیای عادلانه از طریق اعتماد به آینده، موجب بازداری خشم می‌شود. این اعتماد بر مبنای باور به حضور عدالت در دنیا و حوادث آن در فضای ذهنی افراد پدید می‌آید.

؛ در مقابل آنگونه که فرنهام و پروکتر (1989) و بدنبال آن‌لو (2002) در متمایز سازی باور به دنیای ناعادلانه از باور به دنیای عادلانه اظهار داشته‌اند، باور به دنیای ناعادلانه باعث آزادی از قیود نظم و اعتماد شده و بدنبال آن گرایش به سوی نفع شخصی را بالا می‌برد. بنظر می‌رسد که پیوند بین باور به دنیای ناعادلانه با پرخاشگری

و خشونت، مبتنی بر نوعی ساز و کار جبران بی‌عدالتی ادراک شده باشد. این ساز و کار جبرانی بدین ترتیب عمل می‌کند که در اثر باور به وجود بی‌عدالتی در دنیا، افراد از طریق ابراز وجود پرخاشگرانه سعی در جبران عدالت از دست رفته می‌کنند. لازم است در تحقیقات آینده باور به دنیای ناعادلانه برای خود (شخصی) و نه به صورت کلی با واکنشهای پرخاشگرانه مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که با هدف‌مندتر شدن باور به دنیای ناعادلانه برای شخص احتمال پرخاشگری وی بالاتر می‌رود یا خیر. در عین حال این احتمال نیز مطرح است که باور به دنیای ناعادلانه زمینه‌هایی از واقع‌بینی منفی‌نگرانه را نیز در خود داشته باشد که این پدیده نیز باید در پژوهش‌های آینده بررسی شود.

اما یافته‌های دیگر پژوهش (جدول‌های 2 و 3) مبنی بر اینکه اسناد خصمانه بودن رفتار افراد دیگر که مبتنی بر شواهد و محرکهای در دسترس نیز باشد می‌تواند موجب نیرومندتر شدن رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه شود نیز خود جای بحث فراوان دارد. این بخش از شواهد با نظریات مطرح در حوزه نقش ارزشیابی‌های شناختی در بروز هیجانها در تعامل با باورهای بنیادین شناختی افراد همسویی دارد (نظیر آنچه توسط بگیو و مولر، 2006 ارائه شده است). بهر حال شواهد مستقیم و قابل دسترسی از نقش تعدیل‌کننده اسنادهای خصمانه موقعیتی در رابطه باور به دنیای ناعادلانه (در حوزه‌ی باور به دنیای عادلانه این شواهد وجود دارد، به بگیو و مولر، 2006 رجوع کنید) با واکنش پرخاشگرانه در دسترس قرار نگرفت. اگر به واریانس تبیین شده واکنش پرخاشگرانه از طریق باور به دنیای ناعادلانه در موقعیت اسناد خصمانه توجه شود (در مقایسه با همبستگی‌های ساده) دیده می‌شود که واریانس تبیین شده مذکور در حد قابل توجهی افزایش یافته است. این شواهد حاکی از آن است که اسنادهای خصمانه در موقعیت نقش تقویت‌کننده را برای رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه ایفاء می‌کنند. به عبارت دیگر مدارهای پردازش شناختی و هیجانی خصومت در سطح نظامهای مغزی با احتمال زیاد ارتباط تنگاتنگ و قابل توجهی با نظامهای باور مبتنی بر سوء ظن و بدگمانی و بی‌عدالتی دارند. بنابراین در یک پیگرد اسنادی، اگر افراد به خصومت آمیز و عمدی بودن یک رفتار یا واکنش از طرف دیگران برسند، این نتیجه‌گیری باعث فعال سازی نظامهای رفتاری پرخاشگرانه

می‌شود. بنابراین این احتمال باید جدی گرفته شود که باور به دنیای ناعادلانه و اسنادهای خصمانه در یک چرخه تعدیل کننده معیوب می‌توانند به خوبی همدیگر را تقویت و از بروز رفتارهای مسئله مدار غیر پرخاشگرانه جلوگیری کنند. از طرف دیگر این احتمال مطرح است که باور به دنیای ناعادلانه ناشی از ضعف مهارتها، انتظارات و نظامهای مقابله افراد برای مقابله با مشکلات باشد. بنابراین با احتمال زیاد سبک مقابله با فشارها (در قالب مسئله مدار یا هیجان مدار) نیز خود از متغیرهای تعدیل کننده مرتبه دوم در رابطه تعاملی میان اسنادهای موقعیتی خصمانه با باور به دنیای ناعادلانه خواهند بود. محرز گشتن این امر مستلزم انجام تحقیقات بیشتر توسط محققان علاقه‌مند به این موضوعات است. از طرف دیگر ممکن است باور به دنیای ناعادلانه زمینه تقویت خودکارآمدی پرخاشگرانه و خصومت‌آمیز را فراهم آورد، که این مسئله نیز باید در تحقیقات آینده پیگیری شود.

i در تفسیر و تعمیم نهایی یافته‌های این پژوهش باید به این موضوع توجه داشت که گروه نمونه پژوهش حاضر را دختران دانش‌آموز نوجوان تشکیل داده‌اند. محدودیت بعدی اینکه امکان اجرای پژوهش به صورت آزمایشی کاملاً کنترل شده وجود نداشته است. لذا علیرغم تأثیر دستکاری‌های موقعیتی اعمال شده، لازم است از نتیجه‌گیری‌های قطعی علت - معلولی تا تکرار پژوهش در گروههای نمونه دیگر جلوگیری شود. اما در سطح کاربردی نیز می‌توان این پیشنهاد را مطرح کرد که در بسیاری شرایط تغییر اسنادها، علیرغم شواهد قابل دسترس تأیید کننده، از قالبهای اسناد «خصمانه» به «مبهم» یا حتی «دوستانه»، می‌تواند تا اندازه‌ای از نقش نظامهای باور متمایل به بی‌عدالتی که منجر به پرخاشگری‌های فردی و جمعی می‌شوند، بکاهد. در عین حال وجود ابهام در محرکها در سطح مدارس و حتی اجتماع، تا اندازه‌ای می‌تواند بستر را برای کاهش پرخاشگری‌های مبتنی بر بی‌عدالتی در دنیا فراهم سازد. لذا گاهی ارائه پیامهای مثبت مبهم نیز به جای پیامهای مثبت غیر واقعی می‌توانند به نتیجه بهتری بینجامند.

i

i

i

#### یادداشت‌ها

1- belief in the just world.  
3- situational attribution

2- belief in an unjust world.  
4- latent knowledge structure.



5- social information processing.  
7- moderator variable.

6- general linear model.  
8- mediator variable.

### منابع

- حسن‌زاده، رمضان. (1382). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. چاپ اول، تهران: انتشارات ساوالان.
- سجادیان، ایلناز و گل‌پرور، محسن. (1387). روابط ساده و چندگانه باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه با وضعیت روانی افراد. *روانشناسی معاصر*, 3 (1), 33-42.
- گل‌پرور، محسن و جوادی، سارا. (1385). الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخصهای بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*, 8 (31-32), 109-122.
- گل‌پرور، محسن؛ جوادی، سارا و کامکار، منوچهر. (1386). رابطه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و منفی و افکار خودکار. *دانش و پژوهش در روانشناسی*, 9 (32), 39-68.
- گل‌پرور، محسن؛ خاکسار، سروره و خیاطان، فلور. (1388). رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با پرخاشگری. *روانشناسان ایران*, 18, 127-136.
- گل‌پرور، محسن و نادی، محمدعلی. (1388). باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی و استرس منفی در مدرسه. *پژوهش در سلامت روانشناختی*, 12 (2), 051-61.
- Aiken, L. S., & West, S. G. (1991). *Multiple regression: Testing and interpreting interactions*. Sage, New Bury Park, CA.
- Begue, L., & Muller, D. (2006). Belief in a just world as moderator of hostile attributional bias. *The British Journal of Social Psychology*, 45, 117-126.
- Callan, M. J., Shead, N. W., & Olson, J. M. (2009). Fore going the labor for the fruits: The effect of just world threat on the desire for immediate monetary rewards. *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 246-249.
- Christopher, A. N., Zabel, K. L., Jones, J. R., & Marek, P. (2008). Protestant ethic ideology: Its multifaceted relationships with just world beliefs, social dominance orientation, and right – wing authoritarianism. *Personality and Individual Differences*, 45, 473-477.
- Cohen, J., Cohen, P., West, S.G., & Aiken, L.S. (2003). *Applied multiple regression/correlation analysis for the behavioral sciences*. 3rd edition. Mahwah, New Jersey, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- Dalbert, C., Lipkus, I. M., Sallay, H., & Goch, I. (2001). A just and an unjust world: Structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences*, 30, 561-577.
- Dalbert, C., & Stoeber, J. (2005). Belief in a just world and distress at school. *Social Psychology of Education*, 8, 123-135.
- Dzuka, J., & Dalbert, C. (2007). Aggression at school: Belief in a personal just world and well-being of victims and aggressors. *Studia Psychologica*, 49, 313-320.

- Furnham, A., & Procter, E. (1989). Belief in a just world : Review and critique of the individual difference literature. *British Journal of Social Psychology*, 28, 11-20.
- Iatridis, T., & Fousiani, K. (2009). Effects of status and outcome on attributions and just – world beliefs: How the social distribution of success and failure may be rationalized. *Journal of Experimental Social Psychology*, 45(2), 415-420.
- Lo, H. H. (2008). Belief in a just world and belief in idealism as predictors of the perceptions of distributive and procedural Justice. *Web Journal of Chinese Management Review*, 11(2), 1-10.
- Loo, R. (2002). Belief in a just world: support for independent just world and unjust world dimensions. *Personality and Individual Differences*, 33, 703-711.
- McParland, J. L., & Knussen, C. (2010). Just world beliefs moderate the relationship of pain intensity and disability with psychological distress in chronic pain support group members. *European Journal of Pain*, 14(1), 71-76.
- Scherer, K. R. (1997). The role of culture in emotion – antecedent appraisal. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 902-92.
- Strahan, R., & Gerbasi, K. (1972). Short, homogeneous version of the Marlowe Crowne's Social Desirability Scale. *Journal of Clinical Psychology*, 28, 191-193.

i i i